

متن پرسش

سلام علیکم: ۱. آقای فاطمی نیا فرمودند: آقا مقدس نباشید، مقدس هارو نمیخرن، مثنی ها رو میخرن. سر بسته بگم؛ افعال نجاتتون نمیدن، صفات نجاتتون میدن. ۲. استاد در رابطه با هویت انسانی و طلبگی رجوعاتی بفرمایید ۳. بنده یک شخصیتی دارم که اهل حرف نیستم به خصوص که اطرافیان حرف مغز داری ندارند و به حرف های روز مره و سبک مشغولند، بسیار حساسم و جویای عقل و به همین جهت زیاد فکر می‌کنم، انقدر مشغول فکر و مطالعه و هدف و... هستم که اصلاً فرصت اینکه بخوام به رفاقت های سطحی بپردازم، ندارم. یه دوستی می‌گفت رفاقت بر روی هدف مشترک شکل می‌گیره. می‌خواستم بدونم ضرورت دوستی چی هست؟ در شرایطی که دوستی جز لغو گذرانی نیست و از طرفی ندرتاً پیش میاد که احساس تنهایی و نیاز به تعامل برایم اذیت کننده می‌شود (نمی دانم می توانم منظورم را برسانم یا نه) آیا جز اینست که انسان باید نسبت به آگاهی های خود تلاش کند و برنامه ریزی کند و در این مسیر هر چه پیش راه آمده را بپذیرد و اکنون که موقع دوستی و رفاقت نیست بیخود، خود را خسته نکند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این که فعلاً خداوند میل شما را به مطالعه و عمق بخشیدن به عقایدتان سوق داده است، جای شکر دارد و نباید کوتاهی کرد و از آن طرف چنانچه شرایطی پیش آید که در جمع دوستان متوجه نکاتی شوید که نیاز است در مورد آن ها نیز فکر کنید، آن جمع و آن حضور را به فال نیک بگیریید و یا اگر پیش آمد که با افرادی روبرو باشید جهت رشد معرفتی آن ها، آن را نیز باید به فال نیک گرفت و میدانی دانست برای رشد شخصیت خودتان. موفق باشید